



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی
گروه اندیشه سیاسی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی

سیر تطور مشروعیت بخشی دین به نظام سیاسی از صفویه

تا انقلاب اسلامی در ایران

استاد راهنما :

دکتر موسی نجفی

استادان مشاور :

دکتر فرهاد زیویار

دکتر محمد امیر احمد زاده

پژوهشگر :

حسین امینی نژاد

اسفند ماه ۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی
گروه اندیشه سیاسی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی

سیر تطور مشروعیت بخشی دین به نظام سیاسی از صفویه

تا انقلاب اسلامی در ایران

استاد راهنما :

دکتر موسی نجفی

استادان مشاور :

دکتر فرهاد زیویار

دکتر محمد امیر احمد زاده

پژوهشگر :

حسین امینی نژاد

اسفند ماه ۱۳۹۶

با سپاس از پدر و مادر عزیزم به خاطر همه تلاش های محبت آمیزشان

و همسر مهربانم که همواره رفیقی همراه و شفیق بوده است

تقدیم به فقیه و متکلم بزرگ عالم تشیع، ابن المعلم، شیخ مفید
همو که به واقع، احیاگر اعتدال اصولی در فقه شیعی بود

چکیده

یکی از تعیین کننده ترین مؤلفه ها در ثبات یا زوال نظام های سیاسی، مشروعیت آنها، به معنی توجیه حقانیت اعمال قدرت توسط حکومت، می باشد. با توجه به اینکه مذهب تشیع، فعال ترین لایه هویتی ایرانیان، پس از صفویه به شمار می آید، مهمترین منبع تولید مشروعیت سیاسی نیز می تواند قلمداد گردد. در این پژوهش صورتبندی مشروعیت بخشی دین به نظام سیاسی، در پنج قرن اخیر و با هدف کسب درک تاریخی منسجم از سیر تطور نقش آفرینی سیاسی- اجتماعی آن و دستیابی به مدلی تحلیلی از روند مذکور، مورد بررسی قرار گرفته است و برای پاسخ به این سؤال که "فرایند مشروعیت بخشی دین به نظام های سیاسی در ایران، علیرغم فراز و فرود های تاریخی در پنج قرن اخیر، چگونه صورتبندی و روندی را پیموده است؟" دوره های تاریخی پنج قرن اخیر را به چهار دوره تاریخی صفویه، افشاریه و زندیه، قاجاریه و پهلوی تقسیم نموده و در نهایت اینگونه به نظر می آید که در ابتدای صفویه نظام سیاسی خود را متولی نهاد دین نیز می داند و نظام سیاسی، خود منبع تولید مشروعیت نیز می باشد، اما در ادامه، نهاد دین در حاشه نظام سیاسی رشد نموده و مشروعیت نظام سیاسی را تأیید و تصدیق می نماید. سپس نهاد دین مستقل از نظام سیاسی، ساختارمند می گردد و نسبت به مشروعیت نظام سیاسی، موضع سکوت دارد و پس از مدتی، تعاملات ابتدایی نهاد دین و حکومت به تعارضات ختم شده و به نفی مشروعیت دینی نظام سیاسی توسط نهاد دین منجر می گردد و در سیر تکاملی خود طی یک دوره تجدید ساختار فکری و تشکیلاتی و حضور مجدد در داخل ایران، نهاد دین به نفی مشروعیت کل نظام سیاسی حاکم و تأسیس نظام سیاسی دست می زند و با تکیه بر نظریه ولایت فقیه، بر نهاد سیاست مسلط می گردد.

کلید واژه ها: مشروعیت- دین- نظام سیاسی- روحانیت- هویت ملی.

فهرست مطالب

۸	پیشگفتار
۱۰	فصل اول: کلیات تحقیق و روش شناسی پژوهش
۱۰	۱-۱ مسئله و موضوع پژوهش
۱۴	۱-۲ قلمرو پژوهش
۱۵	۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۶	۱-۴ اهداف پژوهش
۱۷	۱-۵ سوالات پژوهش
۱۸	۱-۶ فرضیه های پژوهش
۱۹	۱-۷ روش انجام پژوهش
۱۹	۱-۸ روش جمع آوری اطلاعات
۱۹	۱-۹ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۲۰	فصل دوم: پیشینه پژوهش و ادبیات موضوع
۲۰	۲-۱ تعریف مفاهیم کلیدی
۲۰	۲-۱-۱ مشروعیت سیاسی
۲۵	۲-۱-۲ دین و مذهب
۲۸	۲-۱-۳ سیر تطور
۲۹	۲-۲ پیشینه پژوهش
۳۳	۲-۳ چهارچوب نظری پژوهش
۳۵	۲-۳-۱ نظریه تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان
۴۳	فصل سوم: عصر صفوی
۴۴	۳-۱ ایران در آستانه تشکیل دولت صفوی
۵۲	۳-۲ شکل گیری صفویه

۵۶	۳-۳ نهادمند شدن دین در ساختار حکومت صفوی
۶۱	۳-۴ صفویه و ترویج تشیع
۶۵	۳-۵ نخستین مواجهه ها با غرب جدید
۶۸	۳-۶ زوال صفویه
۷۰	۳-۷ ماهیت دولت صفوی
۸۰	۳-۸ اندیشه سیاسی شیعه در عصر صفوی
۹۴	فصل چهارم: افشاریه و زندیه
۹۵	۴-۱ نادر شاه افشار و سلسله افشاریه
۱۰۱	۴-۲ سلسله زندیه
۱۰۴	فصل پنجم: قاجاریه و انقلاب مشروطه
۱۰۵	۵-۱ برآمدن قاجار
۱۱۰	۵-۲ از سلطان جهان بان تا انقلاب مشروطه
۱۲۴	۵-۳ اندیشه سیاسی شیعه در دوره قاجار
۱۳۰	۵-۴ از مشروطه تا زوال قاجار
۱۴۱	۵-۵ اندیشه سیاسی در عصر مشروطه
۱۴۷	فصل ششم: سلطنت پهلوی و انقلاب اسلامی
۱۵۴	۶-۱ زوال قاجاریه در صعود سردار سپه
۱۵۷	۶-۲ سلطنت رضاخان
۱۷۱	۶-۳ پهلوی دوم
۱۸۴	۶-۴ سرآغاز انقلاب اسلامی ایران
۱۹۱	۶-۵ اندیشه سیاسی در عصر پهلوی
۲۱۵	فصل هفتم: تفسیر و استنتاج
۲۲۶	کتابنامه
۲۲۶	منابع فارسی
۲۳۲	منابع انگلیسی

پیشگفتار

یکی از مهمترین دلایل و عوامل ثبات، تداوم و بقای حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی را می‌توان میزان و کیفیت مشروعیت سیاسی آنها دانست. در این پژوهش تلاش بر این است که در بستر تاریخی پنج قرن اخیر، از شکل‌گیری سلسله صفویه تا انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷، و در محدوده جغرافیای ایران، موضوع مشروعیت‌یابی سیاسی حکومت‌ها و سلسله‌های مختلف را از منظری خاص مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم.

رویکرد مورد اشاره، برداشتی تاریخی-اجتماعی از تحولات سیاسی است که هر مقطع تاریخی را از دو زاویه مرتبط با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌دهد. نخست، تلاش شده از بطن تحولات و کنشگری‌های تاریخی، نسبت و وضعیت میان نظام سیاسی حاکم و جامعه استخراج شده و بر آن اساس مقبولیت عمومی و مشروعیت سیاسی حاکمیت فهم گردد که البته در این بررسی، میزان مقبولیت و ثبات سیاسی حکومت وقت، نسبتی که میان رژیم حاکم و نهاد دین برقرار بوده و روند واگرایی و همگرایی نهاد دین و سیاست از یکدیگر مورد مطالعه قرار گرفته است. در ادامه، سیر تطور اندیشه سیاسی دینی و مذهبی مورد بررسی قرار گرفته است. در این بررسی نیز تلاش شده ضمن تکیه بر داده‌های تاریخی، از ورود به جزئیات و ظرائف اندیشه متفکران و علمای دینی تا حد ممکن اجتناب شود و سیر کلی تفکر دینی و سوگیری‌های سیاسی آن از متن تاریخ - و نه متن رسائل - استخراج گردد.

بر این اساس، مذاقه تاریخی فوق، مشروعیت را نه بر اساس «شرعیت» و یا «حقانیت» یک نظام سیاسی، که بر اساس عینیت یافتن مقبولیت عمومی مورد بررسی قرار می‌دهد و نسبت میان نظام سیاسی و نهاد مذهب، به مثابه یکی از مهمترین منابع تولید مشروعیت سیاسی در اذهان عموم جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد.

از آنجا که تمرکز مباحث بر برداشت جامعه از حقانیت یا عدم حقانیت اعمال اقتدار توسط حاکم وقت، تحت عنوان مشروعیت سیاسی آن نظام سیاسی، قرار دارد؛ لذا ادراکات اجتماعی از مشروعیت سیاسی و رابطه بین ال‌ذهانی مردم در خصوص حاکمیت، در مرکز توجه قرار می‌گیرد. از آنجه که مهمترین مؤلفه در شکل دهی به ادراک عموم جامعه در مورد یک پدیده بیرونی و نسبتی که با آن بر قرار می‌کنند و همچنین میزان همگرایی و واگرایی، و همچنین کیفیت غیریت سازی و موضع‌گیری عمومی نسبت به آن پدیده را می‌توان برداشت جامعه از خودش و ارزش‌های آن جامعه و به بیان دیگر، هویت ملی آن جامعه می‌باشد، چهارچوب نظری بحث، نظریه هویت ملی دکتر نجفی برگزیده شد که هم‌توان قابل‌قبولی در فهم مباحث اندیشه سیاسی دارد و هم‌اینکه خود نظریه در بستری تاریخی سامان داده شده و امکان تحلیل روندنگارانه تاریخی را به خوبی ممکن می‌سازد.

در فصول چهارگانه بعدی، هر دوره تاریخی که اساس سلسله‌های حکومتی تقسیم‌بندی شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ابتدای هر فصل، فضای سیاسی- اجتماعی جامعه در آستانه شکل‌گیری آن سلسله مورد بررسی تاریخی قرار گرفته و سپس روند شکل‌گیری، تثبیت و شکوفایی، و در نهایت، زوال آن خاندان با تکیه بر اهم وقایع تاریخی آن دوره مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی مذکور، تلاش بر این بوده که رفتار سیاسی حاکمان در برقراری نسبت خود با نهاد دین و همچنین کنشگری‌های سیاسی علما و روحانیت مورد توجه قرار گرفته و میزان و کیفیت مشروعیت سیاسی آن حکومت، با عنایت به مقبولیت عمومی و سرمایه اجتماعی آن، از توجه به واکنش‌های اجتماعی نسبت به حوزه سیاسی بررسی گردد.

در بخش دوم هر فصل نیز، سیر تحول در اندیشه سیاسی دینی آن دوره و نسبتی که روحانیت شیعه با نظام سیاسی حاکم بر قرار می‌کرده است مورد مطالعه قرار گرفته است. به دیگر سخن، سیر حرکت کلی اندیشه دینی و نسبتی که اندیشه دینی میان خود و نهاد سیاست، بر اساس مقتضیات زمانه، برقرار نموده است، مورد توجه بوده است.

در پایان نیز تلاش شده با عنایت به فراز و فرود‌های تاریخی نظام‌های سیاسی، تأثیر و تأثر آنها از نهاد دین به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه تولید مشروعیت سیاسی در جامعه ایرانی معاصر، روند‌نگاری شده و به شبه‌الگو ای از نسبت میان مشروعیت سیاسی حکومت‌ها و نهاد دین ارائه گردد.

فصل اول: کلیات تحقیق و روش شناسی پژوهش

۱-۱ مسئله و موضوع پژوهش

در این پژوهش به دنبال این هستیم که طی بازه زمانی ای به وسعت پنج قرن، از تشکیل حکومت صفویان تا انقلاب اسلامی ایران، علیرغم فراز و فرود های تاریخی و جابجایی سلسله های گوناگون، وضعیت نهاد دین به عنوان منبع مشروعیت بخش به نظام های سیاسی را در ایران مورد واکاوی قرار دهیم.

مسئله مشروعیت سیاسی به عنوان یکی از دغدغه های اصلی حوزه قدرت به حساب می آید که این موضوع در بسیاری از رسائل و متون سیاسی - بالخصوص در تاریخ معاصر ایران- مورد توجه واقع شده است، چراکه مؤلفان متون و منابع مذکور تلاش کرده اند تا کنشگری حکومت ها در خصوص مسائل مهم و اساسی را در بستری اجتماعی حکایت کرده و مورد واکاوی قرار دهند، لذا از این منظر

می تواند به عنوان منبعی قابل وثوق برای تحلیل و پژوهش، چه در حوزه اندیشه سیاسی و چه در حوزه جامعه شناسی سیاسی به کار آید.

این در حالی است که طی پنج قرن اخیر در ایران، دین و بالاخص مذهب تشیع، به عنوان یکی از مهمترین و اساسی ترین عوامل مشروعیت بخش به ساختار سیاسی مطرح بوده است. گرچه در ادوار مختلف و در سلسله های گوناگون، مداخلیت دین و مذهب در مشروعیت سیاسی حاکمان، با تغییر و تحول های متعددی رو به رو بوده است و حتی در تطورات اندیشمندان و فقیهان شیعه نیز خط سیری یکدست و یکپارچه را شاهد نبوده ایم، اما همواره عاملی تعیین کننده و مهم محسوب گشته و در افقی بلند مدت، روندی معنادار را طی کرده است که نقطه اوج آن را در رهبری انقلاب اسلامی توسط یک مرجع تقلید دینی - حضرت امام خمینی (ره) مشاهده کرد. در تاریخ ایران زمین، انقلاب اسلامی نخستین حرکت مردمی ای است که طی آن نه عصبیت قبیله ای و قومی و نه توان نظامی و ضرب شمشیر، بلکه یک قیام کاملاً فراگیر مردمی، آن هم نه منحصر به یک طبقه اجتماعی خاص نظیر کارگران یا کشاورزان، بلکه طیف گسترده ای از آحاد مردم، در گستره ای به وسعت شهرها و حتی روستاهای مختلف کشور، منجر به فروپاشی سلسله ای گشته و ساختار سیاسی کشور را به طور کامل متحول نموده است.

در واقع، در بازه زمانی ای به درازای پنج قرن، از تشکیل سلسله صفویه که داعیه دار شیعی گری بوده اند و از تبار روحانیون و صوفیان شیعه مذهب، تا انقلاب اسلامی که نقش روحانیون و علما و گروه های مذهبی در آن بی بدیل است، مذهب تشیع نقشی بی بدیل در تحولات سیاسی ایفا نموده و با توجه به ارتباط وثیقی که با ریزدنه های اجتماعی داشته، از توان قابل توجه هدایت سرمایه اجتماعی

در راستای مقبولیت و مشروعیت حکومت‌ها برخوردار بوده است که بررسی این روند در بطن تحولات تاریخ سیاسی معاصر می‌تواند منجر به ایجاد فهمی دقیقتر از عوامل شکل‌دهنده به مشروعیت نظام‌های سیاسی و در نتیجه تحلیلی دقیقتر از روند ثبات یا زوال نهاد سیاست در ایران شود.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر تعالیم دینی و حرکت به سمت برساختن تمدن نوین اسلامی و نیز با توجه به اینکه، یکی از مهمترین شاخصه‌های دوره حاضر- دوره جمهوری اسلامی- برقراری نسبت مستقیم و قابل ملاحظه میان نهاد دین و نهاد سیاست است، لذا بازخوانی تحلیلی و استدلالی تاریخ چند قرن اخیر می‌تواند در روشن شدن روند سیاسی- اجتماعی‌ای که منجر به شکل‌گیری این پیوند شده است، مفید و روشنگر باشد.

البته لازم به تذکر است که گرچه در مقاطع پیش از صفویه نیز دین نقش بسزایی را در مشروعیت بخشی به نظام‌های سیاسی ایفا نموده است، اما دوره صفویه را می‌توان نقطه عطفی در این سیر تاریخی به شمار آورد که علیرغم فراز و فرودهای مختلف در ادامه، نهایتاً به نقطه بلوغی در انقلاب اسلامی ایران منجر می‌گردد.

این موضوع نه تنها در جغرافیای ایران، بلکه در میان غالب کشورهای اسلامی، طی سال‌ها و دهه‌های اخیر تکاپوی قابل ملاحظه‌ای را شاهد بوده است. این تکاپو نه تنها در بعد نظری، بلکه در ابعاد عملی نیز تبدیل به مسئله اصلی حوزه سیاسی و مشروعیت سیاسی گشته است. لکن عمده این تحولات و تلاش‌ها را می‌توان متأثر از ساخت نوین قدرت و مشروعیت بخشی سیاسی در ایران اسلامی و تعریف جدیدی از نسبت میان دین و حکومت در ایران دانست که یا تأثیرپذیری مستقیم از این الگوی حکومتی را به دنبال داشته است و یا اثرپذیری غیر مستقیم از آن. این موضوع نیز از منظری دیگر،

اهمیت و ضرورت شناخت دقیق از روند شکل‌گیری مشروعیت بخشی سیاسی دین در ایران را یادآور می‌گردد.

تا کنون نیز پژوهش‌هایی که در این عرصه به انجام رسیده است یا برشی مقطعی از این روند به هم پیوسته تاریخی را مورد توجه قرار داده و یا اینکه دارای دریچه‌نگاهی تک‌بعدی-عموما یا صرفاً تاریخی و یا صرفاً اندیشه‌ای-بوده است و یا اینکه اگر پژوهش‌هایی برای پاسخ به این سؤالات انجام گرفته است، همچنان احساس می‌شود که نیاز به تحقیق و تدقیق بیشتری وجود داشته و می‌توان پاسخ‌ها و نکات جدیدی را مطرح و بر پژوهش‌های پیشین افزود. لذا برای رسیدن به بینشی درست و متکی بر واقعیات تاریخی در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تلاش برای دستیابی به تمدن اسلامی، لازم است که روندنگاری‌ای پیوسته و مبتنی بر واقعیات تاریخی را در پیوند میان دو حوزه اجتماعی و سیاسی ارائه نمود تا تصویری صحیح از راه طی شده ترسیم گشته و با استفاده از آن بتوان سیری منطقی را برای ادامه راه مطرح نمود.

با عنایت به آنچه بیان گردید، در این پژوهش تلاش خواهد شد، با نظر به ساخت تفکر سیاسی شیعه در ادوار مختلف تاریخ سیاسی، این اندیشه‌ها و تحولات مورد بررسی قرار گیرد. بدیهی است که اندیشه‌ها نمی‌توانند خارج از بستر زمان و مکان که زاینده تحولات سیاسی-اجتماعی خاص خود است، مورد بررسی قرار گیرد. تفکر دینی نیز در شرایط متفاوت سیاسی-اجتماعی، قابلیت روزآمدی و هماهنگ‌سازی با نیازمندی‌های زمانه را دارد و تحول در دیدگاه‌های سیاسی علمای شیعه را نیز می‌توان از این زاویه بررسی نمود.

در این ارتباط، بدون تردید متغیرهای مستقل و متفاوتی چون تجربه روحانیت شیعه در عصر مشروطیت، تکوین دولت سکولار پهلوی و توسعه اندیشه های غیر دینی در طبقاتی از جامعه و همچنین توسعه گفتمان تجدیدطلبانه روشنفکران و مواردی از این دست، جملگی بر اندیشه سیاسی دینی در ایران اثرگذار بوده و نقش مؤثری در مشروعیت بخشی به نظام سیاسی و یا سلب مشروعیت از آن ایفا نموده است.

لذا این پژوهش به دنبال درک نسبت و تعامل میان حوزه قدرت و نهاد دین در بستر تحولات تاریخی می باشد. در واقع، هدف از انجام این تحقیق، بررسی هم زمان سیاست ورزی نهاد متولیان دین و دین ورزی صاحبان قدرت، در محدوده زمانی پنج قرن گذشته و با تلاش به منظور فهم ارتباط دین و سیاست در دوره های گوناگون می باشد. این تحقیق به دنبال کسب فهمی صحیح از یک سیر تاریخ سیاسی است که در آن کنش و اندرکنشی متقابل میان فهم سیاسی از دین میان علما، حاکمان و عموم جامعه وجود دارد، لذا به اندازه ای وارد بررسی های تاریخی می شود که در فهم این روند مؤثر واقع گردد.

به بیان دیگر، هدف محقق نه بازخوانی تاریخی، بلکه تدقیق در نقاط عطف تاریخی است که طی آن میزان مشروعیت سیاسی و مقبولیت عمومی نظام های سیاسی مورد قضاوت تاریخ قرار گرفته و در آن بستر، نقش دین و نهادهای دینی مورد بحث قرار گرفته است.

۱-۲ قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی:

حوزه جغرافیایی ایران.

ب) قلمرو زمانی:

از ابتدای صفویه تا انقلاب اسلامی ایران. (حدود پنج قرن)

ج) قلمرو موضوعی:

تحلیل در ابعاد تاریخی نسبت، تعامل و یا تعارض میان نهاد دین و نظام سیاسی در بستر اجتماعی ایران.

۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش

قرار گرفتن در میانه مسیر نیل به تمدن اسلامی که از رهگذری چون دولت سازی و ملت سازی عبور می کند، ما را بر آن می دارد تا شناختی دقیق و تحلیلی از گذشته این راه به دست آوریم.

از عصر صفوی تا انقلاب اسلامی، علیرغم فراز و فرود های تاریخی، دوره آغاز و تثبیت حضور پررنگ دین در عرصه حکومت و سیاست است که نتیجه این سیر تحول و تطور را در پایان عصر پهلوی با انقلاب شکوهمند اسلامی شاهد بوده ایم. بنا بر این، تلاش جهت درک صحیح این مسیر، ما را بر آن می دارد تا بازخوانی ای تحلیلی مبتنی بر رهیافت علی- توصیفی از این دوره تاریخی داشته باشیم و ظرائف و دقائق و آسیب های موجود در این روند را به قدر توان مورد اشاره قرار دهیم و این پژوهش به دنبال دستیابی به تبیین چنین سیر منسجمی است. علاوه بر این، فقدان و یا کمرنگ بودن نگاه دینی به تاریخ معاصر و تحلیل تاریخی مبتنی بر رویکرد دینی، ضرورت پرداختن به این موضوع را هرچه بیشتر نمایان می سازد.

از سوی دیگر، مؤلفه مرکزی در فهم سیاسی از دین را می توان در نمود سیاسی- اجتماعی ادراک جامعه نسبت به حقانیت حکومت، یا مشروعیت بخشی سیاسی مورد بررسی قرار داد و لذا تحقیق در خصوص مشروعیت سیاسی در پنج قرن اخیر می تواند منجر به ایجاد تبیینی روشن از مناسبات سیاسی و اجتماعی حول محور نسبت دین و سیاست گردد که علاوه بر کمک به بازشناسی تاریخ سیاسی معاصر از نظرگاه مناسبات دین و حکومت، دستاوردهای تحلیلی و تطبیقی ای را در حوزه اندیشه سیاسی به دنبال داشته باشد.

البته باید توجه داشت که اهمیت پرداختن به این موضوع از منظری دیگر نیز قابل بررسی است، چراکه نظام های سیاسی همواره از منابع تولید مشروعیت به عنوان یک راهکار عملی در مواجهه با بحران های گوناگون که نیاز به سرمایه اجتماعی قابل ملاحظه دارد، استفاده کرده اند. این بحران ها اعم از مواردی چون گسست همبستگی ملی، مقابله با تجاوز خارجی و یا زوال حاکمیت بوده است که در بسیاری از موارد حکومت ها از ظرفیت مذهب و علمای مذهبی به عنوان عامل مشروعیت بخش و انسجام آفرین جهت خروج از بحران های پیش آمده بهره جسته اند که این نیز مؤید دیگری بر میزان نفوذ و توان دین برای نقش آفرینی در حوزه سیاست و حکومت است که فهم دقیق این نسبت می تواند راهنمای سیاستگذاری های سیاسی و امنیتی باشد.

۴-۱ اهداف پژوهش

۱. بدست آوردن درک تاریخی منسجم و روندمند از سیر تطور نقش آفرینی سیاسی- اجتماعی دین در

پنج قرن اخیر.

۲. بررسی تحولات صورت گرفته در اندیشه سیاسی تشیع و نگرش علمای شیعه به امر سیاسی در دوره های مذکور با تکیه بر نقاط عطف تاریخ معاصر نظیر نهضت مشروطیت، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی.

۳. دستیابی به مدلی تحلیلی از روند مذکور که امکان تبیین تحولات تاریخی را دارا باشد.

۴. آسیب شناسی سیاست ورزی در شرایط فقدان مشروعیت دینی در ایران.

۱-۵ سوالات پژوهش

سؤال اصلی:

فرایند مشروعیت بخشی دین به نظام های سیاسی در ایران، علیرغم فراز و فرود های تاریخی در پنج قرن اخیر، چگونه صورتبندی و روندی را پیموده است؟

سؤالات فرعی:

۱. دین و مذهب چگونه به منبع تولید مشروعیت برای نظام های سیاسی تبدیل می گردد؟
۲. نظام های حکومتی در چه شرایطی و از چه طریقی اقدام به کسب مشروعیت از نهاد دین می نمودند؟
۳. اندیشه سیاسی تشیع و نگرش علمای شیعه به امر سیاسی در هر یک از مقاطع تاریخی مذکور چه شکلی به خود گرفته است؟
۴. فقدان مشروعیت سیاسی دینی چه تأثیری بر ایجاد بحران و زوال و یا ثبات نظام های سیاسی داشته است است؟

۵. نسبت میان نهاد دین و نهاد قدرت در دوره های مختلف مورد بحث چه صورتبندی ای داشته است؟

۶-۱ فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی:

- مشروعیت بخشی دین به نظام سیاسی علیرغم فراز و فرودهای مقطعی، روندی تکاملی را طی نموده است که از تأیید سلطنت صفویه به تأسیس جمهوری اسلامی ختم می گردد.

فرضیه های فرعی:

- دین به علت اینکه در تاریخ معاصر، مهمترین عامل فرهنگی و هویت ساز در جامعه ایران بوده است، نقش تعیین کننده ای در مشروعیت بخشی به نظام های سیاسی ایفا نموده است.

- نظام های سیاسی غالباً در شرایطی که یا نیاز به سرمایه اجتماعی داشته اند، و یا فاقد توان عبور از بحران ها و تثبیت خود را داشته اند، اقدام به جذب مشروعیت از نهاد دین نموده اند.

- اندیشه سیاسی علمای دینی، طی پنج قرن اخیر از تلطیف، تحدید و همراه سازی نظام سیاسی به سمت تسلط بر نظام سیاسی و تشکیل حکومت تغییر نموده است.

- فقدان مشروعیت سیاسی، صاحبان قدرت سیاسی را یا به سمت استبداد سوق داده یا با فروپاشی مواجه ساخته است.

- نسبت میان نهاد دین و قدرت سیاسی، از صورتبندی انضمامی دوره صفویه، به نهادمند شدن دین در دوره قاجار و سپس به تقابل سیاسی - اجتماعی دوره پهلوی تغییر شکل داده است.

۱-۷ روش انجام پژوهش

روش کیفی و بررسی مقایسه ای

به دلیل تاریخمند بودن موضوع و بنیادی بودن پژوهش.

۱-۸ روش جمع آوری اطلاعات

مطالعه کتابخانه ای، شامل کتاب ها، اسناد و مقالات.

۱-۹ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل متون تاریخی و مطالعات اسنادی.

فصل دوم: پیشینه پژوهش و ادبیات موضوع

۲-۱ تعریف مفاهیم کلیدی

۲-۱-۱ مشروعیت سیاسی

مشروعیت را می توان یکی از مهمترین مفاهیم در علم سیاست به شمار آورد. مشروعیت در هر جایی که گروهی از مردم برای انجام عملی بر اساس نقش های اجتماعی خویش گرد آیند، طرح می شود و از جمله مفاهیم اساسی و زیر بنایی در شکل گیری حکومت است.^۱

یقیناً یکی از مهمترین عوامل و مؤلفه های ثبات یا زوال نظام های حکومتی مختلف، میزان مشروعیت سیاسی آنان بوده است. در تعریف و تشریح مفهوم مشروعیت سیاسی، مطالب و نظرات گوناگونی مطرح شده است که در واقع در پی توضیح نوعی رضایت عمومی نسبت به اعمال اقتدار از سوی رژیم حاکم می باشد، تا آنجا که بسیاری از تئوری های جدید مشروعیت اقتدار حکومت را ناشی از رضایت عمومی می دانند.^۲

^۱ . سعیدی، مهدی، مردمسالاری دینی از منظر حضرت آیت اله خامنه ای، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۴۵.

^۲ . سرافراز، فرشید، «مفهوم مشروعیت و رهیافت های گوناگون نسبت به آن»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۷۸-۱۸۸، ص ۴۶.